

بررسی دلایل و شرایطی که انتقال پایتخت به ساحل دریا را غیر ضروری می‌کند

## انتقال پایتخت

### بدون نگاه به ساحل و جمعیت‌های بزرگ

انتقال پایتخت تنها به تغییر مرکز سیاسی محدود می‌شود و هدف آن بهبود امنیت و توزیع متوازن منابع است، نه تمرکز جمعیتی و صنعتی



سید جمال هادیان زوراه | کارشناس توسعه فرهنگی

## روانشناسی رنگ‌ها در مد

انتخاب رنگ‌ها در طراحی مد نه تنها بر ظاهر لباس‌ها، بلکه بر روحیه جامعه، هنجارهای اجتماعی و تعاملات روزمره افراد تأثیرگذار است

دوگانه دولت و مجلس در بحران انرژی کشور؛ آیا ناترازی برق ناشی از کمبود انرژی است یا ضعف در مدیریت منابع و سیاست‌گذاری‌ها؟

# تابستان سخت در راه است

وزیر نیرو اعلام کرده است تابستان آینده به دلیل بالارفتن مصرف به ویژه در روزهای اوج بار، احتمالاً ناترازی به ۲۵ هزار مگاوات خواهد رسید

## باخت به تاریخ

تخریب بافت‌ها و بناهای تاریخی، تنها یک آسیب فیزیکی نیست بلکه این تخریب‌ها نشان‌دهنده بی‌توجهی به ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه است

۴

تحلیل ناکارآمدی فرآیندها و ساختار موجود در سیاست‌گذاری جنگل‌های هیرکانی و تأثیر آن بر مدیریت منابع طبیعی

## سیاست جنگل در مسیر بن بست

آیا طرحی که پشت درهای بسته نوشته می‌شود، با حکمرانی مطلوب همخوانی دارد؟ چه تضمینی وجود خواهد داشت که دوباره با فشار گروه‌های ذی‌نفع مختلف، متوقف نشود؟

مدیریت منابع طبیعی نیازمند بازنگری اساسی است تا به‌وسیله مشارکت ذی‌نفعان و جوامع محلی، سیاست‌های جنگل‌داری به سمت راحل‌های جامع و کارا هدایت شود

۳

جشنواره **خواجه عطا** نمادی از هویت فرهنگی و اتحاد اجتماعی مردم و فرصتی برای شادی و همبستگی در روزهای سخت

## در جست‌وجوی اصالت‌های فراموش شده

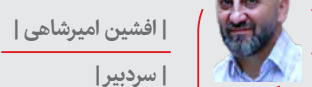


جشنواره «خواجه عطا» نمادی از هویت فرهنگی و اتحاد اجتماعی مردم و فرصتی برای شادی و همبستگی در روزهای سخت

## در جست‌وجوی اصالت‌های فراموش شده

جشنواره **خواجه عطا** با تمرکز بر حفظ و احیای آیین‌های سنتی و میراث فرهنگی جنوب ایران، فرصتی بی‌نظیر برای انتقال ارزش‌های فرهنگی به نسل‌های آینده فراهم می‌کند

این رویداد فرهنگی علاوه بر نمایش موسیقی و آیین‌های محلی، به تقویت پیوندهای اجتماعی و ایجاد حس همبستگی میان مردم کمک کرده و فضایی شاد و مفرح برای آنها ایجاد می‌کند



افشین امیرشاهی | سردبیر

جشنواره «خواجه عطا»، همچون تصویری زنده از میراث کهن و اصالت ایرانیان خلیج فارس، با شکوهی خیره‌کننده در بندرعباس رخ نمود. در میان آوای موج دریا و نغمه‌های اصیل بندری، صحنه‌هایی بی‌بدیل از زندگی، هنر، میراث فرهنگی و عشق به آیین‌ها و رسوم سرزمین ایران به تصویر کشیده شد. مراسم ازدواج سنتی، با رنگ‌ها و آواهای خاص خود، گویی پلی است بین گذشته‌های دور و امروز و یادآور اصالت و پیوندی که از دل تاریخ تا امروز دوام یافته است. آیین «رزیف»، این میراث معنوی دریانوردان، با هم‌آوایی گروهی و طنین ضربه‌های اصیل، یادآور اتحاد و همدلی ساحل‌نشینان بود. انگار که نسیم دریا با صدای آنها همراه شده تا صدای فرهنگ و هنرشان را به دورترین اقصا ببرد.

جشنواره نه‌فقط یک مراسم، بلکه نمایشی از هویت و افتخار مردم بندرعباس و مردم ایران به‌شمار می‌رود. نمایشی که از عمق تاریخ برخاسته و تا قلب امروز امتداد یافته است. مردمان این خطه، با آواها، رقص‌ها و آیین‌هایشان نشان دادند فرهنگ، چون گوهری ناب، همچنان در دل‌هایشان می‌درخشد. سومین جشنواره فرهنگی، ورزشی و گردشگری خواجه عطا در بندرعباس را باید فراتر از یک رویداد سرگرم‌کننده و به‌عنوان فرصتی ارزشمند برای زنده نگه‌داشتن و احیای آیین‌های اصیل منطقه در نظر گرفت. این جشنواره با تمرکز بر سبک زندگی ساحلی و دریایی مردم جنوب ایران، نه‌تنها به نمایش شکوه فرهنگ و آداب سنتی پرداخت، بلکه گامی مؤثر در حفظ میراث غنی این خطه و پاسداشت تنوع آیینی کشور برداشت. برگزاری چنین رویدادهایی، ارتباطی عمیق میان گذشته و حال ایجاد می‌کند و اصالت فرهنگی مردمان جنوب را به نسل‌های آینده منتقل می‌سازد. جشنواره‌هایی از این دست به‌طور مؤثر نسل‌های

جدید را با میراث فرهنگی ناملوموس کشور آشنا می‌سازند. اجرای مراسم سنتی همچون عروسی‌های قدیمی، موسیقی‌های محلی چون رزیف بندرکنگ و آیین‌هایی چون حنابندان زنده‌کننده ارزش‌هایی هستند که در اعماق تاریخ و فرهنگ ایران ریشه دارند. این رویدادها نه‌تنها از فراموشی این آیین‌ها جلوگیری می‌کنند بلکه به تقویت هویت فرهنگی منطقه و سرزمین‌مان نیز می‌پردازند. از این رو، جشنواره خواجه عطا نقشی حیاتی در تقویت انسجام اجتماعی ایفا می‌کند. شبکه‌های اجتماعی به‌خوبی نشان‌دهنده حضور پرشور مردم با لبخندهای شادابشان در این جشنواره بود. سال‌هاست که چنین رویدادهای تأثیرگذار در کوچه‌ها و خیابان‌های شهرمان غایب بوده است. هنگامی که مردم در کنار یکدیگر آیین‌های کهنشان را جشن می‌گیرند، فرصتی بی‌نظیر برای تقویت پیوندهای اجتماعی و ایجاد حس همبستگی در میانشان فراهم می‌شود. این تعاملات جمعی نه‌تنها احساس تعلق به جامعه را تقویت می‌کند بلکه فرهنگ احترام و همدلی را در میان مردم رواج می‌دهد. یکی از نمونه‌های موفق جشنواره‌های فرهنگی و هنری که تأثیرات عمیقی در میان مردم داشته است، جشنواره موسیقی کوچه در بوشهر است. این فستیوال نه‌تنها یک رویداد موسیقایی بلکه یک حرکت فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار نیز به‌شمار می‌رود. فستیوال موسیقی کوچه علاوه بر اینکه به معرفی و حفظ موسیقی سنتی محلی پرداخته، در همین‌حال فرصتی برای شنیدن موسیقی‌های متنوع از دیگر فرهنگ‌ها و مناطق کشور فراهم آورده است. رویدادی که باعث شده است مردم با فرهنگ‌های مختلف آشنا شوند و به‌واسطه موسیقی و هنر، احساس همبستگی و نزدیکی بیشتری را با یکدیگر تجربه کنند. چنین جشنواره‌هایی، فضایی برای بیان آزادانه هنر و فرهنگ ایجاد می‌کنند و باعث می‌شوند افراد

به‌ویژه نسل‌های جوان‌تر، درک بهتری از میراث فرهنگی خود پیدا کنند و آن را به نسل‌های آینده انتقال دهند. این جشنواره‌ها به تقویت هویت فرهنگی محلی کمک می‌کنند و باعث می‌شوند یک حس جمعی و همبستگی میان مردم شهر و حتی مردم سایر نقاط کشور ایجاد شود. بی‌تردید، هرگونه به رویدادهای فرهنگی و هنری کشورمان از جمله جشنواره خواجه عطا تأثیرات مثبت آنها در افزایش روحیه و ایجاد شادابی در میان مردم را نادیده بگیریم، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این جشنواره‌ها، خلق فضایی پر از نشاط و خوشی برای افراد است. حضور هزاران نفر در محله خواجه عطا خود گواهی بر اشتیاق و علاقه و اشتیاق مردم برای مشارکت در این رویدادهای جمعی است. در بوشهر نیز وضعیت مشابهی حاکم بود و هزاران نفر از مردم با شور و شوق در جشنواره شرکت کردند. شادی و سرور ناشی از

جشنواره‌هایی مانند خواجه عطا نه‌تنها میراث فرهنگی ایران را زنده نگه می‌دارند بلکه با ایجاد فضایی شاد، انسجام اجتماعی را تقویت و ارزش‌های مشترک را به نسل‌های آینده منتقل می‌کنند. بنابراین، حمایت از این رویدادها وظیفه‌ای ملی است که باید با جدیت بیشتری دنبال شود



شرکت فولاد بوتیای ایرانیان در نظر دارد اقلام ضایعات غیر تولیدی خود را از طریق مزایده دعوت عمومی، طبق مشخصات مندرج در برگه شرایط و اسناد مزایده، به فروش رساند. متقاضیان محترم می‌توانند از تاریخ نشر آگهی روزهای دوشنبه و چهارشنبه در ساعات اداری (۹ صبح الی ۱۴ ظهر) تا تاریخ ۱۴۰۳/۱۰/۳۰، با انجام هماهنگی قبلی جهت بازدید اقلام و دریافت برگ شرایط شرکت در مزایده، به واحد بازرگانی شرکت فولاد بوتیای ایرانیان واقع در استان کرمان، شهرستان کرمان، کیلومتر ۲۷ کمربندی امام رضا (ع)، مجتمع فولاد بوتیای ایرانیان مراجعه و یا با شماره تلفن ۹۱۰۰۹۲۰۰ -۰۳۴ داخلی ۱۲۵۳ تماس حاصل فرمایند. همچنین متقاضیان محترم نیز می‌توانند جهت کسب اطلاعات دقیق و دریافت اسناد مزایده به سایت اینترنتی شرکت فولاد بوتیای ایرانیان [www.bisco.midhco.com](http://www.bisco.midhco.com) به نشانی مراجعه نمایند.





— Doanur —

**بررسی دلایل و شرایطی که انتقال پایتخت به ساحل دریا را غیرضروری می‌کند**

# انتقال پایتخت، بدون نگاه به ساحل و جمعیت‌های بزرگ

**انتقال پایتخت تنها به تغییر مرکز سیاسی محدود می‌شود و هدف آن بهبود امنیت و توزیع متوازن منابع است**
**نه تمرکز جمعیتی و صنعتی**

مجموعه روندهای تاریخی در ایران بیانگر آن است که از دوره باستان تا دوره معاصر حدود ۴۰ بار مرکز سیاسی ایران تغییر یافته یا مرکز سیاسی جدیدی بنیانگذاری شده است. آخرین این تغییرات از دوره صفویه تا کنون شامل شهرهای اردبیل، تبریز، قزوین و اصفهان در دورهٔ صفویه؛ مشهد در دوره افشاریه، شیراز در دوره زندیه و تهران در دوره قاجاریه بوده است. بررسی‌های کارشناسی نشان داده است این تغییرات به هر ادله و سلیقه‌ای صورت گرفته باشند، منجر به گشایش‌ها و رویش‌های فراوان شده‌اند و شبکه‌ای جدید از ارتباط‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را پدید آورده‌اند. در یک کلام تاریخ تغییرات مراکز سیاسی در پهنهٔ ایران‌زمین پدیده‌ای گشایشگر و مثبت بوده است. در کنار این تجربه تاریخی، تغییر یا تأسیس مراکز سیاسی در برخی از کشورهای جهان نیز شامل تاریخ مفصلی است تا جایی که در یک قرن گذشته حدود ۵۰ تغییر یا تأسیس در مراکز سیاسی کشورهای جهان را شاهد بوده‌ایم که آخرین آنها در اندونزی، قزاقستان، آلمان، استرالیا، آفریقای جنوبی، مالزی، پاکستان، ترکیه، برزیل و روسیه بوده است. کشورهای درحال‌توسعه چون مصر نیز در حال طی کردن این مسیر هستند و به‌زودی مرکز سیاسی کشورشان را تغییر خواهد داد. هرکدام از این تغییرات به‌دلایل مختلف و متفاوتی صورت پذیرفته است. قرار گرفتن پایتخت روی گسل زلزله، قرار گرفتن



| سید جمال هادیان زواره |

| کارشناس توسعه فرهنگی |



انتخاب پایتخت باید

بر اساس شاخص‌هایی نظیر پایداری اقلیمی، دسترسی به منابع آب، فاصله از گسل‌های زلزله و امکان گسترش زیرساخت‌ها صورت گیرد تا نیازهای بلندمدت کشور را پاسخ دهد

– هزینه‌های ناشی از انباشت ثروت و بی‌عدالتی اجتماعی؛

– هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم اتلاف انرژی و آلودگی آب و هوا؛

و ده‌ها هزینهٔ دیگر را که از تمرکز بیش از حد جمعیت در تهران ناشی می‌شوند، به‌صورت کمی درآوریم، به ارقام سالانه‌ای می‌رسیم که بسیار فراتر از هزینه‌های مورد نیاز برای تغییر مرکز سیاسی است.

تردیدی وجود ندارد که یکی از مهمترین موانع توسعه ایران، انباشت سرمایه‌های کلان به‌صورت راکد یا در گردش در فعالیت‌های خدماتی، عمرانی و دلالی است که بخش اعظم و غیرقابل‌نظارت و کنترل آن در تهران جاری است. جای گردش این سرمایه‌ها در تولید فناوری، صنعت و کشاورزی و صنایع وابسته به آنهاست نه فعالیت‌های خدماتی و دلالی! این موضوع یکی از بزرگترین موانعی فرآگیر را در کشور ما کند و بخش اعظم منابع را به‌جای تولید مصرف خدمات، عمران و تجارت کاذب کرده است.

اشتباه بزرگی که برخی از دولتمردان تاکنون بر آن پافشاری کرده‌اند، آن است که تصور می‌کنند مرکز سیاسی یعنی بزرگترین و بلوغ‌ترین شهر هر کشور است! همین طرز تفکر سبب شده است تهران علاوه‌بر آنکه مرکز سیاسی ایران است، بزرگترین مرکز اقتصادی تجاری، صنعتی تولیدی، آموزشی دانشگاهی، فرهنگی هنری، رفاهی خدماتی و بالاخره بزرگترین مرکز جمعیتی ایران نیز به‌شمار آید. این انطباق نادرست، همراه با جاذبه‌های کاذب شغلی و علاقه برای دستیابی به امکانات رفاهی و تفریحی، مردم را از سراسر ایران به این نقطه روانه کرده است. درحقیقت، میتوان ادعان کرد که ارتباطات درهم‌پیچیده حوزه سیاسی با سایر حوزه‌ها پیوندهای اقتصادی بستر رانت، فساد و مافیای ر چنان فراهم کرده است که دست‌کم در کوتاه زمان و با بافتار و ساختار فعلی دولت در تهران راه گریزی از آن نیست. بدین‌ترتیب انتقال مرکز سیاسی به نقطه‌ای مناسب و واجد شرایط ضرورتی انکارناپذیر است؛ زمانی که انطباق مرکز سیاسی با مراکز اقتصادی تجاری، صنعتی تولیدی، آموزشی دانشگاهی، رفاهی خدماتی، فرهنگی و هنری شکسته و توزیع متوازن امکانات در سراسر کشور انجام شود و قطب‌های تولیدی صنعتی، فرهنگی و گردشگری پدید آید.

به استناد آمارهای ارائه‌شده از نهادهای معتبری چون بانک مرکزی جمهوری اسلامی، مرکز آمار ایران و سایر مراجع ذی‌صلاح، وقتی هزینه‌های ناشی از:
– میلیون‌ها ساعت وقت تلف‌شده مردم در ترافیک، صف و نوبت خدمات مختلف؛
– هزینه درمان بیماری‌های تنفسی، استخوانی، قلبی، سرطان و بیماری‌های اعصاب در نقاط شلوغ شهری مثل تهران؛
– هزینه‌های سنگین نگهداری شهر و فعالیت‌های عمرانی و خدماتی شهرداری در کلانشهری چون تهران؛
– هزینه‌های انتظامی، امنیتی و قضایی برای کنترل و نظارت بر کلانشهری چون تهران؛

را از گفشان خواهد بود. این تغییر بزرگترین گام در راه تحقق شعار عدالت و رفاه اجتماعی برای همه شهروندان و نویدبخش چشم در تولید خواهد بود که خواسته قلبی همه مردم ایران است.

بی‌گمان انتقال مرکز سیاسی به یکی از کلانشهرها یا مراکز استان‌هایی که مستعد گسترش وسعت و جمعیت‌اند، کاری بیپوده است و زمینه‌ساز شکل‌گیری تهرانی دیگر خواهد شد.

**تجربه سایر کشورهایی که مرکز سیاسی را تغییر داده‌اند، بیانگر دو حالت کلی است:**

۱. شهری جدید در نقطه‌ای مناسب ساخته شده است؛ مثل برزیلیا، اسلام‌آباد و پوتراجایا،

۲. انتخاب یکی از شهرهای مناسب و حائز شرایط برای مرکزیت سیاسی.

**در هر دو حالت، مهمترین ویژگی‌های مرکز سیاسی جدید عبارتند از:**

– از نظر جغرافیایی از ضرب امنیتی بالایی برخوردار باشد (در مرکز کشور و در فاصله مناسب از مرزها قرار گرفته باشد).

– شرایط اقلیمی و آب‌وهوایی مناسبی داشته باشد.

– در محدوده گسل‌های زلزله‌خیز نباشد و نسبت به سایر حوادث طبیعی مثل سیل نیز آسیب‌پذیر نباشد.

– از زیرساخت‌های لازم برای مرکز سیاسی مثل همجواری با راه‌های ارتباطی، راه‌آهن، فرودگاه، آب برق و گاز و شبکه فیبر نوری برخوردار باشد یا ظرفیت ایجاد چنین زیرساخت‌هایی را داشته باشد.

– اگر نقطه شهری است، جمعیتی کمتر از صد هزار نفر را در برگیرد و اگر نقطه‌ای غیرشهری است، برای حضور حداکثر ۵۰ هزار نفر برنامه‌ریزی شود. در این‌مورد هیچ‌کدام از کلانشهرها و اغلب مراکز استان‌ها حائز چنین شرایطی نخواهند بود و این یک مزیت به‌شمار می‌آید.

– انتقال مرکز سیاسی، موجب برانگیخته شدن حساسیت‌های قومی، مذهبی، محلی و منطقه‌ای نشود.

– برای ایجاد و گسترش زیرساخت‌های ارتباطی و اداری نظیر فیبر نوری، ساخت‌وساز اقتصادهای جدید، فاضلاب، فضای سبز، منابع آب و انرژی و نظایر آن از شرایط لازم بهره‌مند باشد حال فرض کنیم که نقطه یا شهر مناسب، انتخاب و اراده لازم برای انتقال مرکز سیاسی به‌وجود آمد، آیا تضمینی وجود دارد که دوباره در کمتر از نیم‌قرن، تهران دیگری به‌وجود نیاید؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت در انتقال مرکز سیاسی و تثبیت آن، توجه به پیوسته‌های فرهنگی اجتماعی و تدوین، تصویب و اجرای قوانینی مطابق با اهداف طرح ضرورت دارد تا راهی که می‌رویم به نتیجه مطلوب ختم شود.

– نخست، هدف اصلی فقط باید انتقال مرکز سیاسی باشد. پس باید با تنظیم، تصویب و اجرای قوانین دقیق از انطباق مرکز سیاسی با مراکز اقتصادی تجاری، صنعتی تولیدی، آموزشی دانشگاهی، رفاهی خدماتی، فرهنگی و هنری جلوگیری شود. این مراکز فقط در حد ضرورت و نیاز

ساکنان مرکز سیاسی پیش‌بینی شود.

– دوم، عرصه شهری و حاشیه مرکز سیاسی جدید باید عرصه ملی و در اختیار دولت اعلام و از مالکیت خصوصی در این عرصه جلوگیری شود. به‌عبارتی دولتمردان و نمایندگان مجلس و ساکنان مرکز سیاسی جدید تا زمانی که در مسند هستند، از امکانات این مرکز بهره ببرند و پس از آن یا باید به‌صورت مستأجر باقی بمانند یا به خانه و زندگی خود در شهرهای مبدأ بازگردند.

– سوم، با وجود گسترش سازوکار دولت الکترونیک و ارتقای آن، رفع و رجوع امور اداری از طریق شبکه

میسر خواهد بود و اغلب درخواست‌ها و پاسخ‌ها از طریق فناوری اطلاعات در سراسر کشور انجام خواهد شد. در این‌صورت کمتر به حضور فیزیکی نیاز خواهد بود.

– چهارم، با شکسته شدن انطباق مراکز جمعیتی، سیاسی، اقتصادی، صنعتی و تولیدی، آموزشی و دانشگاهی، فرهنگ و هنری و توزیع متناسب آن در سراسر کشور، دیگر جذابیتی برای حضور در مرکز سیاسی و یافتن مشاغل کاذب وجود نخواهد داشت و کسی حاضر به اسکان و زندگی در مرکز سیاسی نخواهد بود، مگر سیاستمداران و تصمیم‌سازان به ضرورت.

– پنجم، مراکز انباشت ثروت از دست سیاستمداران، خارج و بستر توزیع ثروت‌های ملی به‌صورت متناسب برای همه مردم فراهم و در پی آن دلالاتی، زمین‌خواری، پولشویی و اخلاگری اقتصادی که اغلب با رانت‌های دولتی نسبت مستقیم دارد، محدود خواهد شد.

– طراحی و اجرای نقشه جامع شهری در حوزه معماری، محدوده شهر، زیبایی بصری و بافت جمعیتی با در نظر گرفتن پیوسته‌های فرهنگی اجتماعی از گسترش بی‌رویه وسعت و جمعیت مرکز سیاسی جلوگیری خواهد کرد.

در حال حاضر، چند میلیون نفر به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در بخش‌های صنعتی، عمرانی و خدماتی به‌عنوان کارگر در تهران و شهرک‌ها و جاده‌های منتهی به آن مشغول به کارند و در این شهر یا حواشی آن ساکنند. از آنجاکه عامل اصلی مهاجرت به تهران کاربایی است –به‌ویژه در بخش کارگری، خدماتی و مشاغل کاذب– سیاست‌های تشویقی برای انتقال واحدهای بزرگ صنعتی و تولیدی (دریافت تسهیلات بانکی برای انتقال، تخفیف‌های مالیاتی و بیمه‌ای و گمرکی در دوره انتقال، تضمین تولید و فروش تولید و خدمات)، آنها را برای انتقال از محدوده استان تهران و خراج به سایر نقاط کشور متقاعد خواهد کرد و جذابیت‌های شغلی این شهر را از بین خواهد برد. با این انتقال، مشکل کهنه بیکاری تا حد قابل‌قبولی رفع و جهت مهاجرت به کلانشهرها متوقف یا معکوس و مسیر توسعه و شکوفایی همه‌جانبه کشور هوارتر خواهد شد. وقتی شغلی نباشد که از آن کسب درآمد کنیم، وقتی در شهرستان محل سکونتمان یا زادگاهمان علاوه‌بر نیش مناسب، تمام امکانات رفاهی و آموزشی فراهم باشد، ترک دیار و

مواجهه با ابوهی از مشکلات منطقی به‌نظر نمی‌رسد. آن زمان چه بخواهیم و چه نخواهیم جمعیت تهران کاهش می‌یابد و در سطح کشور توزیع خواهد شد، توزیع ثروت و امکانات به‌سمت عادلانه شدن پیش خواهد رفت، لایه‌های تأثیرگذار و نامشروع قدرت و ثروت از بین خواهند رفت، کار و تلاش مفهوم واقعی خود را خواهد یافت و مردم در رفاه نسبی قرار خواهند گرفت. ناگفته نماند در روند انتقال مرکز سیاسی و کاهش تدریجی جمعیت تهران و حل معضلاتی چون آلودگی هوا و ترافیک، این کلانشهر به‌تدریج به پایتخت نمادین و گردشگری ایران تبدیل خواهد شد.

از آنجاکه مراد از انتقال پایتخت تنها انتقال مرکز سیاسی است، نه تمامی مراکز اقتصادی، صنعتی، خدماتی و فرهنگی که در حال حاضر در تهران تجمع شده‌اند، از این‌رو زمان و هزینه‌های انتقال آن‌چنان‌که برخی تصور می‌کنند زیاد نیست، چراکه:
– توسعه فناوری اطلاعات و انجام امور به‌صورت مجازی، حضور مستقیم مردم در مراکز سیاست‌گذاری را به حداقل خواهد رساند و فضاهای اداری را تا حد امکان کوچک و نیروهای غیرمتخصص و ناکارآمد را از گردونه خارج خواهد کرد.

– واگذاری امور به مردم و تحقق اصل ۴۴، دولت را کوچک و تصدی آن را که پیش‌ازاین و هم‌اکنون در همه امور جاری کشور اعم از سیاست‌گذاری، اجرا و نظارت، پررنگ بوده و است، به حداقل خواهد رساند.

در این‌صورت، دولت بیشتر نقش سیاستگذار، حامی و ناظر را عهده‌دار خواهد بود و نیازی به ساختمان‌های عریض و طویل اداری و اجرایی نخواهد داشت. در این حالت ممکن است فضای اداری برخی از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها ده برابر کوچکتر از حالت فعلی شود. پس در مرکز سیاسی جدید، ساخت‌وساز چند مجموعه جامع اداری و انتظامی که نهاد رهبری، مجلس شورای اسلامی، ریاست‌جمهوری، ستاد مرکزی وزارتخانه‌ها، سازمان‌های مهم حکومتی، دولتی و امنیتی را دربر بگیرند، کفایت می‌کند و نیازی به احداث و ایجاد ساختمان‌ها و مجتمع‌های بزرگ و بلند نیست.

مضاف بر اینکه انتقال بسیاری از سازمان‌های بزرگ و تخصصی به مرکز سیاسی جدید ضرورتی ندارد. برای مثال انتقال سازمان فضایی همراه با ستاد وزارت ارتباطات یا انتقال سازمان بنادر و کشتیرانی همراه با ستاد وزارت راه‌وشهرسازی به مرکز سیاسی جدید ضرورت ندارد و این سازمان‌ها می‌توانند در کنار تأسیسات و تجهیزات حرفه‌ای خود به فعالیت ادامه دهند.

با چنین رویکردی پراوضح است که: اول مراد از انتقال پایتخت تنها انتقال مرکز سیاسی است؛ دوم وقتی قرار است مرکز سیاسی به نقطه‌ای با برنامه‌ریزی جمعیتی کمتر از ۵۰ هزار نفر و فارغ از هرگونه مراکز صنعتی و جمعیتی منتقل و میاثت مرکزیت و امنیت آن هم لحاظ شود، ایده انتقال مرکز سیاسی به ساحل دریا، چه خلیج‌فارس و سواحل مکران باشد و چه دریای خزر، موضوعیت ندارد.

فرهنگسازی محیط‌زیست کمک می‌کند.

در چیدمان سرفصل‌ها و مفاهیم نظری این درس به‌گونه‌ای عمل شده است که دانشجویان بتوانند ضمن آشنایی با تعریف رسانه، با نحوه انتقال پیام و شیوه‌های آموزش و فرهنگسازی محیط‌زیست در قالب رسانه هم آشنا شوند. از این‌رو، پس از تدریس مفاهیم و رسالت رسانه و ضرورت و تاریخچه آن به معرفی انواع قالب‌های رسانه پرداخته می‌شود و پس از آن کارکردهای رسانه و نحوه به‌کارگیری آنها در جهت حفاظت از محیط‌زیست بررسی می‌شوند و همچنین باتوجهیه اهداف حفاظت محیط‌زیستی، به‌نوعی طبقه‌بندی از قدرت تأثیر رسانه‌ها اشاره می‌شود.

بعد از بیان مطالب اولیه و مقدماتی، جهت تقویت مهارت تحلیلی دانشجویان، به تشریح مفهوم روایت و عناصر آن پرداخته می‌شود و در ادامه اشعار کهن و نو ادبیات پارسی از دیدگاه محیط‌زیستی در کلاس به‌صورت گفت‌وگومحور، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند و به نقش این اشعار در تولید محتوا و فرهنگسازی محیط‌زیستی پرداخته می‌شود.

با توجه به این نکته که یکی از اهداف اصلی این درس، مهارت‌افزایی دانشجویان، جهت تولید محتوا و آثار محیط‌زیستی است، جلساتی از کلاس به مفاهیم ایده‌پردازی و تکنیک‌های افزایش خلاقیت در

پیشنهاد شد و به تأیید وزارت علوم رسید. پس از آن، این درس برای اولین‌بار در کشور در دانشکده منابع‌طبیعی دانشگاه صنعتی اصفهان ارائه شد و دانشجویان در مقطع کارشناسی در طول یک ترم تحصیلی، به فراگیری مطالب جالب و مفید این درس می پردازند. پس از تجربیات موفق تدریس این درس در دانشگاه صنعتی اصفهان، امسال برای اولین‌بار در نخستین نیمسال سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴، محیط‌زیست و رسانه، در گروه محیط‌زیست دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران تدریس شد. لازم به ذکر است که ایده‌پردازی، سرفصل‌نویسی و تدریس این درس از اولین سال ارائه تاکنون برعهده نگارنده بوده است.

در درس محیط‌زیست و رسانه، از ترکیبی از روش‌های یاددهی-یادگیری فعال و مشارکتی استفاده می‌شود تا دانشجویان بتوانند مفاهیم نظری را با مثال‌های عملی درک کنند و حس خلاقیت و نوآوری و همچنین تحلیلی خود را در زمینه تولید محتوا، پیام‌رسانی و همچنین تحلیل محتوای محیط‌زیستی تقویت کنند این رویکرد ترکیبی شامل بحث‌های گروهی، بررسی مطالعات موردی، ارائه‌های دانشجویی و تولید محتوای باکیفیت محیط‌زیستی است که به تقویت درک عمیق دانشجویان و نقش فعال و مؤثر آنان در

## نکته

درس محیط‌زیست و رسانه، درس نوینی برای تقویت مهارت‌های تحلیلی و تولید محتوای مؤثر در حفاظت از محیط‌زیست

# چگونه محیط‌زیست را در رسانه‌ها زنده کنیم؟

**دوره‌های آموزشی «محیط‌زیست و رسانه» به دانشجویان ابزارهای لازم برای تحلیل و تولید محتوای مؤثر برای حفاظت از محیط‌زیست را ارائه می‌دهد**



| حسین مرادی |

| عضو هیئت‌علمی گروه محیط‌زیست، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران|

محیط‌زیست، دانشی است که با جوانب متفاوت زندگی شهروندان یک جامعه، در ارتباط مستقیم است به‌گونه‌ای که حفظ کیفیت آن، تضمین‌کننده حیات اجتماعی و اقتصادی افراد است.





ایران - تهران

(تو)

**کارشناسان میراث فرهنگی و معماری در گفت‌وگو با «پیام ما»، اثرات منفی پروژه‌های عمرانی بر بافت‌های تاریخی را بررسی می‌کنند**

# باخت به تاریخ

**تخریب بافت‌ها و بناهای تاریخی، تنها یک آسیب فیزیکی نیست بلکه این تخریب‌ها نشان‌دهنده بی‌توجهی به ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه است**

در سال‌های اخیر، پروژه‌های عمرانی و ساخت‌وسازهای کلان در ایران رشد چشمگیری داشته‌اند، اما این رشد و توسعه در بسیاری از موارد با تخریب و آسیب‌های جدی به بافت‌های تاریخی و میراث فرهنگی همراه بوده است. تخریب بناهای تاریخی در بسیاری از شهرهای کشور به یکی از بحران‌های جدی تبدیل شده است که در صورت بی‌توجهی به آن، هویت فرهنگی و تاریخی این مناطق به‌طور کامل از بین خواهد رفت. تهران، اصفهان، شیراز و دیگر شهرهای تاریخی کشور شاهد این آسیب‌ها بوده‌اند که به دلیل بی‌توجهی به مسائل حفاظتی، خسارت‌های جبران‌ناپذیری را بر میراث فرهنگی تحمیل کرده است. در این گزارش، باتوجهبه اهمیت و فواید حاصل از پروژه‌های عمرانی، به گفت‌وگو با سه کارشناس برجسته در این حوزه پرداخته‌ایم تا نظرات آنان را درباره وضعیت کنونی و آسیب‌های جدی که این پروژه‌ها به بافت‌های تاریخی وارد کرده‌اند، بررسی کنیم.



اکویش دبباج |

| روزنامه‌نگار

#### خبر

**مدیر پایگاه ملی شهر استرآباد (گرگان) درباره طرح بازنگری حریم بافت تاریخی گرگان:**

## اطلاع ندارم این طرح باعث کوچک‌سازی بافت تاریخی می‌شود یا نه

آن بافت تاریخی شهر تقریباً از سایر بخش‌های شهر جدا و فریز شد. این طرح که مساحت و شرایط آن با آنچه اکنون داریم متفاوت بود، هدفش حفاظت از بافت تاریخی بود. اما در دهه ۹۰، طرح جدیدی در بازنگری طرح‌های قبلی تهیه شد که رویکرد آن بهسازی و نوسازی و با شرح خدمات طرح‌های بافت فرسوده بود. در این رویکرد، بناهای تاریخی که در مسیر تعریض و بازگشایی گذرها و پروژه‌ها قرار می‌گرفتند، تخریب و ساختمان‌های جدیدی ساخته می‌شد.»

به‌گفته ملک‌شاهکویی: «این رویکرد در واقع به‌دلیل تغییرات اساسی که در آن زمان در سیاست‌های وزارت مسکن و شهرسازی و شرایط ساخت‌وساز در ایران وجود داشت، باعث تخریب بسیاری از بناهای ارزشمند تاریخی شد. به‌عبارتی، هدف از این طرح‌ها، رویکرد نوسازی در بافت‌های تاریخی به‌عنوان بخش اصلی بافت فرسوده و جایگزینی آن با ساخت‌وسازهای جدید و مدرن بود. این رویکرد به‌شدت با حفظ میراث فرهنگی و تاریخ شهر در تضاد بود. بسیاری از مالکان، با هدف سودآوری، زمین‌های خود را برای

#### فلاکت بی‌توجهی به بافت‌های تاریخی

«سمیه اکبری»، دکترای معماری و کارشناس ارشد حفاظت از بناهای تاریخی، درباره وضعیت بافت‌های تاریخی کشور به «پیام ما» می‌گوید: «یکی از مهمترین مسائلی که در پروژه‌های عمرانی ایران نادیده گرفته می‌شود، عدم توجه به بافت‌های تاریخی و اصول مرمت است. پروژه‌های بزرگ و بی‌رویه‌ای که بدون مشاوره با کارشناسان میراث فرهنگی شروع می‌شوند، نه‌تنها به‌طور فیزیکی بناهای تاریخی را تخریب می‌کنند بلکه باعث ایجاد تغییرات اساسی در ماهیت این محله‌ها و آسیب به هویت اجتماعی ساکنان آنها می‌شوند. برای مثال، در تهران، اصفهان و ... شاهد آن بودیم که پروژه‌های بلندمرتبه‌سازی در نزدیکی بافت‌های تاریخی بدون توجه به ضوابط حفاظتی انجام شد. این ساخت‌وسازها علاوه‌بر تخریب بنای اصلی، باعث شده‌اند منظر تاریخی این نواحی از بین برود و فضای فرهنگی و اجتماعی آنها تغییر کند.»

این مدرس دانشگاه تأکید می‌کند: «تخریب بافت‌ها و بناهای تاریخی، تنها یک آسیب فیزیکی نیست، بلکه این تخریب‌ها نشان‌دهنده بی‌توجهی به ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه است. این موضوع باعث دست رفتن پیوستگی تاریخی و معنوی این محله‌ها می‌شود و زمینه‌ساز نازامی‌های اجتماعی و اقتصادی می‌شود.»

اکبری معتقد است: «برای جلوگیری از این مشکلات، نیاز است هر پروژه عمرانی قبل از اجرا، با مشاوره کارشناسان میراث فرهنگی به‌طور دقیق ارزیابی شود. همچنین، باید نظرات مستمری از سوی سازمان‌های مرتبط برای حفظ بافت‌های تاریخی در هنگام اجرای پروژه‌ها صورت گیرد.»

#### وقتی ضوابط میراثی قربانی توسعه می‌شود

«محمدرضا جعفری»، کارشناس بازنشسته میراث فرهنگی شهر یزد، با اشاره به بی‌توجهی به ضوابط میراثی در پروژه‌های شهری می‌گوید: «در ایران، بسیاری از پروژه‌های عمرانی که در کنار بافت‌های تاریخی آغاز می‌شوند، اصول حفاظتی را

نادیده می‌گیرند. یکی از بزرگترین مشکلات، ناداشتن نظارت و بررسی‌های دقیق قبل از آغاز این پروژه‌ها است. در یزد، تجربیات خوبی در زمینه مرمت بافت‌های تاریخی داریم، اما در دیگر شهرها شاهد آن هستیم که پروژه‌ها بدون هیچ‌گونه مشاوره‌ای با کارشناسان میراث فرهنگی انجام می‌شوند. در پروژه‌هایی که در مناطق تاریخی تهران مانند محله بازار تهران در حال انجام هستند، مشاهده می‌کنیم که حتی در برخی موارد، آثار تاریخی بدون هیچ‌گونه ارزیابی یا مجوزی تخریب می‌شوند. بسیاری از این پروژه‌ها بدون توجه به تاریخ و فرهنگ منطقه انجام می‌شوند و درنهایت باعث از بین رفتن هویت این محله‌ها می‌شوند.»

این کارشناس میراث فرهنگی همچنین به مشکل دیگری اشاره می‌کند که در بسیاری از پروژه‌ها دیده می‌شود: «از دیگر مشکلات می‌توان به بی‌توجهی به قوانین و ضوابط موجود اشاره کرد. گاهی اوقات شاهدیم که پروژه‌ها برخلاف ضوابط میراث فرهنگی در مناطقی که باید حفاظت شوند، آغاز می‌شوند. این موضوع به‌شدت تأثیر منفی بر منظر شهری می‌گذارد و باعث تغییرات غیرقابل‌برگشت در هویت محله‌ها و بناهای تاریخی می‌شود.»

او مواردی را به‌عنوان راهکار ارائه می‌دهد: «باید قوانینی تدوین شود که به‌طور جدی و دقیق از اجرای هر پروژه در نزدیکی بافت‌های تاریخی جلوگیری کند و برای هر پروژه‌ای که در این مناطق اجرا می‌شود، مجوزهای دقیق اجرا، با مشاوره کارشناسان میراث فرهنگی به‌طور دقیق ارزیابی شود. همچنین، باید نظرات مستمری از سوی سازمان‌های مرتبط برای حفظ بافت‌های تاریخی در هنگام اجرای پروژه‌ها صورت گیرد.»

#### آثار اجتماعی توسعه شهری بدون توجه به میراث فرهنگی

علی‌اصغر عظیمی»، استاد دانشگاه و کارشناس توسعه پایدار، درباره تأثیر مخرب پروژه‌های عمرانی در بافت‌های تاریخی: «پروژه‌های عمرانی که بدون در نظر گرفتن میراث فرهنگی انجام می‌شوند، نه‌تنها آثار فیزیکی بلکه آثار اجتماعی و فرهنگی منفی نیز به‌دلیل دارند. توسعه‌ای که بدون توجه به تاریخ و هویت فرهنگی یک منطقه صورت

گیرد، باعث از دست رفتن ارتباطات اجتماعی و فرهنگی ساکنان آن خواهد شد. در بسیاری از مناطق تهران، پروژه‌های بلندمرتبه‌سازی و تغییر کاربری‌ها باعث از بین رفتن روابط اجتماعی مردم و ایجاد فضای بی‌هویت شده‌اند. در مناطقی که سابقه تاریخی طولانی دارند، با تغییرات عمده در ساختار فیزیکی این مناطق، مردم دیگر ارتباطی با گذشته تاریخی خود احساس نمی‌کنند.»

به باور عظیمی: «آسیب به هویت اجتماعی مردم به‌ویژه در مناطقی که سال‌هاست به‌عنوان بخشی از تاریخ این شهرها شناخته شده‌اند، تأثیرات منفی عمیقی در روابط اجتماعی و احساس تعلق به شهر خواهد داشت. این امر نه‌تنها باعث کاهش کیفیت زندگی در این مناطق می‌شود بلکه به‌طورکلی منجر به بی‌ثباتی اجتماعی می‌شود.»

عظیمی معتقد است: «برای مقابله با این آسیب‌های اجتماعی، باید سیاست‌های دقیقی در زمینه حفظ هویت محله‌ها و بناهای تاریخی تدوین شود. همچنین، باید توسعه شهری بادقت و براساس اصول جامعه‌شناختی و فرهنگی انجام شود تا هم‌زمان با ایجاد فضاهای جدید، هویت تاریخی و فرهنگی این مناطق نیز حفظ شود.»

#### توقف فلاکت‌بار تخریب‌ها با آینده‌ای نابود شده

پروژه‌های عمرانی در بسیاری از شهرهای ایران، به‌ویژه در نواحی تاریخی، به تپیدی بزرگ برای میراث فرهنگی و اجتماعی تبدیل شده‌اند. تخریب فیزیکی بناهای تاریخی، نادیده‌گرفتن ضوابط میراثی و تأثیرات اجتماعی منفی این پروژه‌ها، همه نشان‌دهنده فاجعه‌ای است که درصورت ادامه این روند، کشور با آن مواجه خواهد شد. کارشناسان بر این باورند که تنها با هماهنگی بین نهادهای مختلف، حفاظت جدی‌تر از بافت‌های تاریخی و توجه به آثار اقتصادی و اجتماعی این پروژه‌ها می‌توان به حفظ هویت فرهنگی کشور و توسعه پایدار دست یافت. اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، ایران با تخریب نهایی و نابودی میراث فرهنگی‌اش روبرو خواهد شد.

شد و وضعیت حفاظتی آنها بررسی و مشخص شد که کدام بناها نیاز به حفاظت دارند و کدام می‌توانند بازسازی شوند.» مدیر پایگاه ملی بافت تاریخی استرآباد (گرگان) گفت: «طرحی که تهیه شده است می‌تواند بسیاری از مشکلاتی که در گذشته وجود داشت، برطرف کند. به‌عنوان مثال، تعدیل و مناسب‌سازی تراکم حاشیه بافت تاریخی با تراکم داخل آن. علاوه‌براین، شناسنامه‌دار کردن بناهای تاریخی باعث شده است هر بنای تاریخی، جایگاه و اهمیت خود را پیدا کند و از تخریب‌های غیرضروری جلوگیری شود. این طرح به‌نوعی سند حفاظت و ساماندهی بافت تاریخی است که از یک‌سو مشکلات فنی در نظام ساخت‌وساز را در نظر می‌گیرد و از سوی دیگر، ارزش‌های تاریخی و فرهنگی گرگان را حفظ می‌کند. برای هرکدام از بناهای تاریخی، یک کد حفاظتی اختصاص داده شده است تا وضعیت آنها به طور دقیق مشخص شود. همچنین، برنامه‌هایی برای حفاظت از این بناها در برابر تخریب‌ها و تغییرات ناگهانی تدوین شده است. به همین دلیل، هرگونه ساخت‌وساز جدید در اطراف این بناها باید تحت‌نظارت و با رعایت اصول حفاظتی انجام شود.»

ملک‌شاهکویی می‌گوید: «در هر طرح بازنگری و تغییرات شهری، ممکن بود اعتراضاتی وجود داشته باشد و عمدتاً این اعتراضات از سوی تعدادی از مالکان بافت تاریخی بود که به‌دلیل محدودیت‌هایی که در زمینه ساخت‌وساز جدید

پلاک ۱۱۷- اصلی‌واقع در بخش شش ارک ثبتی فراهان روستای کمرک خریداری از محل مالکیت یعقوبعلی داوودی بزچولوی .

ردیف ۹ رای شماره ۶۱۵- ۱۴۰۳/۰۳/۲۰- آقای محمود داودی فرزند یعقوبعلی به شماره شناسنامه ۷ صادره از وفس به شماره ملی ۵۷۱۹۶۹۴۴۳۹ در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱۲۰/۴۳ مترمربع پلاک ۱۱۷- اصلی واقع در بخش شش ارک ثبتی فراهان روستای کمرک خریداری از محل مالکیت یعقوبعلی داوودی بزچولوی .

ردیف ۱۱ رای شماره ۶۱۴- ۱۴۰۳/۰۳/۲۰- آقای محمود داودی فرزند یعقوبعلی به شماره شناسنامه ۷ صادره از وفس به شماره ملی ۵۷۱۹۶۹۴۴۳۹ در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۲۸۶/۱۹ مترمربع پلاک ۱۱۷- اصلی واقع در بخش شش ارک ثبتی فراهان روستای کمرک خریداری از محل مالکیت یعقوبعلی داوودی بزچولوی .

ردیف ۱۳ رای شماره ۶۱۸- ۱۴۰۳/۰۳/۲۱- آقای محمود داودی فرزند یعقوبعلی به شماره شناسنامه ۷ صادره از وفس بشماره ملی ۵۷۱۹۶۹۴۴۳۹ در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۰۱۶/۸۳ مترمربع پلاک ۱۱۷- اصلی واقع در بخش شش ارک ثبتی فراهان روستای کمرک خریداری از محل مالکیت یعقوبعلی داوودی بزچولوی .

ردیف ۲۴ رای شماره ۳۷۹- ۱۴۰۳/۰۳/۰۵- آقای محمود داودی فرزند یعقوبعلی بشماره شناسنامه ۷ صادره از وفس بشماره ملی ۵۷۱۹۶۹۴۴۳۹ در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۶۹۱/۶ مترمربع پلاک ۱۱۷- اصلی واقع در بخش شش ارک ثبتی فراهان روستای کمرک خریداری از محل مالکیت یعقوبعلی داوودی بزچولوی .

ردیف ۲۵ رای شماره ۳۷۷- ۱۴۰۳/۰۳/۰۳- آقای محمود داودی فرزند یعقوبعلی بشماره شناسنامه ۷ صادره از وفس بشماره ملی ۵۷۱۹۶۹۴۴۳۹ در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۵۳۳/۵۹ مترمربع پلاک ۱۱۷- اصلی واقع در بخش شش ارک ثبتی فراهان روستای کمرک خریداری از محل مالکیت یعقوبعلی داوودی بزچولوی .

ردیف ۲۶ رای شماره ۱۱۹۷- ۱۴۰۳/۰۵/۱۸- آقای محمود داودی فرزند یعقوبعلی بشماره شناسنامه ۷ صادره از وفس بشماره ملی ۵۷۱۹۶۹۴۴۳۹ در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۲۳/۲۵ مترمربع پلاک ۱۱۷- اصلی واقع در بخش شش ارک ثبتی فراهان روستای کمرک خریداری از محل مالکیت یعقوبعلی داوودی بزچولوی .

ردیف ۲۷ رای شماره ۱۱۹۸- ۱۴۰۳/۰۵/۱۸- آقای محمود داودی فرزند یعقوبعلی بشماره شناسنامه ۷ صادره از وفس بشماره ملی ۵۷۱۹۶۹۴۴۳۹ در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۸۶۱/۳۶ مترمربع پلاک ۱۱۷- اصلی واقع در بخش شش ارک ثبتی فراهان روستای کمرک خریداری از محل مالکیت یعقوبعلی داوودی بزچولوی .

ردیف ۲۳ رای شماره ۶۱۸- ۱۴۰۳/۰۳/۲۱- آقای محمود داودی فرزند یعقوبعلی بشماره شناسنامه ۷ صادره از وفس بشماره ملی ۵۷۱۹۶۹۴۴۳۹ در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۸۱۱/۳۳ مترمربع پلاک ۱۱۷- اصلی واقع در بخش شش ارک ثبتی فراهان روستای کمرک خریداری از محل مالکیت یعقوبعلی داوودی بزچولوی .

**رئیس ثبت شهرستان فراهان**

**مهدی لطفی**

**تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱/۱۸**

**تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۳/۱/۱۷**

**شناسه آگهی : ۱۸۵۸۴۷۳**







روزنامه سیاسی - اجتماعی  
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: روح‌الله خدیجه  
سردبیر: افشین امیرشاهی  
دبیر: آلانین: شبنم رحمتی  
دبیر تحریریه: فریبا نباتی  
دبیر ویژه‌نامه‌ها: شبنم شگوریان

مدیر هنری: ثنوا صمدیان  
عکس: یاسر خدیجه (دبیر)  
محیط زیست و منابع طبیعی:  
فاطمه پاپاخانی (دبیر)، فروغ فکری  
ارژ، کشاوری و جامعه محلی: ستاره جنتی (دبیر)  
میراث فرهنگی: فرزانه قبادی (دبیر)

صفحه‌آرایی: علی اکبرزاده، زهرا موسوی  
ویدئو ژورنالیسم: سافر کوهستانی  
خبرنگاران: حمیدرضا میرزاده، مرضیه  
قاضی‌زاده، نغمه دانش، مریم محمودخواه،  
هیوا همتی، کبریا حسین‌زاده، مرجان  
حاج رحیمی، فاطمه علی اصغر، سمیه

ایمانیان، آیسان زرقام، نادره واللی‌زاده،  
فرداد احمدی، علی قلی زاده، کوثر  
نمک‌شناس، زینب کیا منفرد، زینب  
کریمی، مریم کاظمی‌زاده  
کادر اداری: ندا صفاریان، فاطمه  
آقا ملای، الهام سرگزی، شیوا کریمی

آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای پیام‌ها:  
www.payamema.ir/akhlagh

ایمیل سازمان آگهی‌ها: payamema.adv@gmail.com  
ایمیل تحریریه: Khabar.payamema@gmail.com

پرگزاری رویداد: داخلی ۳  
مدیرمسئول: داخلی ۴

تحریریه: داخلی ۱  
استان‌ها: داخلی ۲

تماس دفتر تهران: ۰۲۱-۲۸۴۲۱۹۱۰  
شماره نمابر: ۰۲۱-۲۸۴۲۲۷۱۰

تلفن: ۰۲۱-۲۸۴۲۱۹۱۰ / تلفن: ۰۳۴-۲۲۴۸۷۴۷۷

تعلق وعده‌های بزرگ  
ورزشکستی صنعت ایران: پیامد تازاری برق  
جهان دگرگونی را با آموزش‌های  
سرمه‌گذاری و بازاریابی

عکاس: محمدحسین عبدالمی - میزان

عکس نوشت



نمایشگاه گزیده‌ای از فرش‌های نفیس محفوظ در گنجینه کاخ گلستان با موضوع «فرش و زندگی در دارالخلافه» دیروز، هفدهم شهریورماه، بازگشایی شد.

سینمای جهان

جوایز اصلی گلدن گلوب برای «امیلیا پرز» و «بروتالیست»



هشتادودومین دوره جوایز سینمایی و تلویزیونی گلدن گلوب با اعطای جایزه بهترین فیلم موزیکال-کمدی و درام به «امیلیا پرز» و «بروتالیست» برگزار شد. به گزارش ایسنا، فیلم «بروتالیست»، یک حماسه تاریخی که تجربه مهاجران پس از جنگ را بررسی می‌کند و «امیلیا پرز»، یک موزیکال درباره یک قاچاقچی مواد مخدر که تحت عمل جراحی تغییر جنسیت قرار می‌گیرد، جوایز اصلی گلدن گلوب را از آن خود کردند.

دکه

انتشار شماره جدید مجله ادبی «نویا»



نهمین شماره مجله ادبی «نویا» که به موضوع طنز در ادبیات فارسی پرداخته است، پس از وقفه‌ای نزدیک به یک سال منتشر شد. به گزارش ایسنا، بخشی از مطالب این شماره شامل «ماشین‌ها شوخی نمی‌کنند: امر سیاسی، طنز و هوش مصنوعی» نوشته ناصر فکوهی، «خدایامرزدهش، آدم بی‌شرقی بود!» گفت‌وگو با ایرج پارسی‌نژاد، «طنز چرخه‌ای‌ست میان خنده و اندیشه!» تو خود عدوی خویشنتی!»، «زدی»، «ماداران خوب در پارکینگ» و... است.

نکته

نقش جنگل‌های کوچک در شهرها برای مقابله با آلودگی هوا



گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری افزایش می‌دهند. علاوه بر این، کیفیت هوا و آب را با جذب آلاینده‌ها بهبود می‌بخشند. با ایجاد سایه، جنگل‌های کوچک اثر جزیره گرمایی شهری را کاهش می‌دهند و مناطق شهری را خنک می‌کنند. همچنین، آنها به سلامت خاک با بهبود ساختار و باروری خاک کمک می‌کنند. در نهایت، این فضاهای سبز شهری فرصت‌های تفریحی فراهم و به بهبود سلامت روانی و جسمانی ساکنان شهر کمک می‌کنند.

ایمیا ما| شهرها مراکز پرجمعیت و فعالیت‌اند، اما اغلب طبیعت را نمی‌دانند. در سال‌های اخیر، کارشناسان تلاش کرده‌اند که این تلاش‌ها را به قلب گستره شهری بازگردانند. این تلاش‌ها اساساً شامل ایجاد فضاهای کوچک با درختان بومی به‌صورت متراکم است که به آنها «جنگل‌های کوچک» گفته می‌شود.

هدف این روش کاشت این است که در فضای محدود شهری یک جنگل سرسبز را به‌سرعت ایجاد کند. این جنگل‌های کوچک پتانسیل این را دارند که گوشه‌های فراموش‌شده شهر را به اکوسیستم‌های پررونق تبدیل کنند. نکته جالب درباره این جنگل‌ها این است که تا ۱۰ برابر سریع‌تر از جنگل‌های سنتی رشد می‌کنند.

**نکته: چالش‌های کاشت جنگل‌های کوچک**  
طبق گزارش یورونیوز، کاشت جنگل‌های کوچک در مناطق شهری با چالش‌هایی همراه است. عواملی مانند آلودگی، دمای بالا و خشکسالی می‌توانند رشد عمیق ریشه‌ها را مختل می‌کنند و خطر بیماری‌های درختان را افزایش دهند. همچنین، گاهی تأمین حمایت جامعه دشوار است و جلب مشارکت عمومی برای موفقیت پروژه‌های جنگل کوچک ضروری است.

**نکته: کاشت در منتهن**  
در سال ۲۰۲۴، SUGI پیشگام ایجاد جنگل شایخ‌ن منتهن شد که اولین جنگل کوچک نیویورک‌سیتی را به ارمغان آورد. این ابتکار شامل کاشت ۴۰ گونه گیاهی بومی متنوع، مانند کاج سفید شرقی، آلوچه ساحلی و بلوط سفید بود. نکته قابل‌توجه این است که فرایند انتخاب گونه‌ها با ورودی ارزشمند از مردم بومی لینه انجام شد و تضمین شد که گونه‌هایی با تاریخ طولانی در این منطقه شامل شوند.

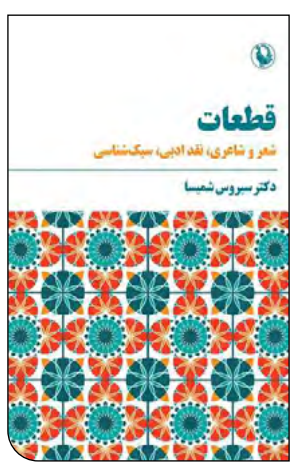
وب‌سایت این سازمان یادآور شده است: «SUGI رویکردی جامع برای ایجاد تنوع زیستی، بازسازی اکوسیستم، و (دوایاره) برقرار کردن ارتباط طبیعت در جوامع ارائه می‌دهد.»

**نکته: الهام گرفته از گیاهشناس ژاپنی**  
این مفهوم از نبوغ «اکیرا میاواکی»، گیاهشناس برجسته ژاپنی که در سال ۲۰۲۱ در سن ۹۳ سالگی درگذشت، الهام گرفته شده است. او بدلیل توسعه روش میاواکی مشهور است؛ روشی که جنگل‌های متراکم و تنوع‌زیستی را در فضاهای کوچک ایجاد می‌کند. سازمان SUGI نیز از این

فرایند کاشت در منتهن  
در سال ۲۰۲۴، SUGI پیشگام ایجاد جنگل شایخ‌ن منتهن شد که اولین جنگل کوچک نیویورک‌سیتی را به ارمغان آورد. این ابتکار شامل کاشت ۴۰ گونه گیاهی بومی متنوع، مانند کاج سفید شرقی، آلوچه ساحلی و بلوط سفید بود. نکته قابل‌توجه این است که فرایند انتخاب گونه‌ها با ورودی ارزشمند از مردم بومی لینه انجام شد و تضمین شد که گونه‌هایی با تاریخ طولانی در این منطقه شامل شوند.

قفسه

قطعات



آن مأخذ ارجاع نمی‌دهد، بحث اصلی را به‌صورت طبیعت را نمی‌داند. در آن بخش‌ها سرخ‌ها و انگیزه‌هایی برای تحقیق و تتبعات و تقررات خود بیابند. آنچه قطعات را از سایر آثار مشابه متمایز می‌کند، دقت علمی نویسنده در کنار بیان ساده و روان است. شمیسا با مهارت، توانسته است مفاهیم پیچیده نقد ادبی را به زبانی قابل‌فهم و دلنشین ارائه دهد. تحلیل‌های دقیق، نمونه‌های ارزشمند از ادبیات فارسی، و رویکردی تازه به تاریخ و سبک‌شناسی، این کتاب را به اثری مرجع در حوزه نقد ادبی بدل کرده است.

کتاب «قطعات» نوشته «سیروس شمیسا» از سوی نشر مروارید به چاپ رسیده است. به گزارش ایسنا، این کتاب قطعات مجموعه‌ای بسیار خواندنی و نکته‌سنجانه از قطعه‌نویسی‌های استاد و پژوهشگر توانمند، نواندیش و نامی ادبیات فارسی، سیروس شمیسا در سه قلمرو «شعر و شاعری»، «نقد ادبی» و «سبک‌شناسی» است. این کتاب با تمرکز بر شعر و شاعری، سبک‌شناسی، و تاریخ ادبیات، تلاش می‌کند تا زیبایی‌ها و عمق نهفته در ادبیات کهن فارسی را آشکار سازد. نویسنده با دیدگاهی علمی و زبانی روان، عناصر ساختاری و هنری شعر فارسی را بررسی کرده و تحلیل‌های نوآورانه‌ای ارائه داده است. قطعات (قطعه‌نویسی) بیشتر صمیمانه است تا فاضلانه، معمولاً جای رد و اثبات و تحقیق و برهان نیست که مربوط به جستار و مقاله است، بیشتر نظرگاه‌های فکری و سلیقه‌ای نویسنده‌ای است که عمری را به مطالعه و نوشتن پرداخته، به نکاتی دست یافته و عقاید خاصی پیدا کرده است. اظهار فضل نمی‌کند، به همه مطالب ریز و درشتی که می‌تواند مربوط به بحث باشد اشاره ندارد، چندان به این منبع و

گنج‌نامه

باز دل گم گشت در کویت من دیوانه را  
از کجا کردم نگاه آن شکل قلاشانه را  
گاه گاه، ای باد، کانه‌جات می‌افتد گذر  
ز آشنایان کهن یادی ده آن بیگانه را  
هر شب از هر سوی در می‌آیدم در دل خیال  
از کدامین سو نگهدارم من این ویرانه را  
شمع گو در جان بگیر و سینه گو ز آتش بسوز  
شمع از آنها نیست کو رحمت کند پروانه را  
عمر بگذشت و حدیث درد ما آخر نشد  
شب به آخر شد کنون کوتاه کنیم افسانه را  
جان ز نظاره خراب و ناز او ز اندازه بیش  
ما به بویی مست و ساقی پر دهد پیمانها را  
آخر ای دل، وقتی اندر کوی ما کردی گذر؟  
این‌چنین یکبارگی کردی فراموش خانه را  
حاجتم نبود که فرمایی به ترک ننگ و نام  
زانکه رسوایی نیاموزد کسی دیوانه را  
خسروست و سوز دل و ذوق عالم بی‌خبر  
مرغ آشنوخواره کی لذت شناسد دانه را  
امیرخسرو دهلوی

مرزهای کشورها به دلیل تغییر اقلیم در حال جابه‌جایی هستند



پایامدهای غیرمنتظره این پدیده، جابه‌جایی مرزهای بین‌المللی است. این موضوع به‌ویژه در مرز بین ایتالیا و اتریش که در یخچال طبیعی Hochjochferner قرار دارد، به‌وضوح مشاهده می‌شود. به گزارش تایمز، طرف جنوبی یخچال که پیشتر از یخ پوشیده شده بود، اکنون به‌طور کامل به

یخچال طبیعی در مرز بین ایتالیا و استرالیا در حال ذوب شدن هستند. تغییر اقلیم اثرات شگفت‌انگیزی بر محیط‌زیست و جغرافیای جهان داشته است. یکی از

نغمه دانش | روزنامه نگار